



Research article

Research in Comparative Literature (Arabic and Persian Literature)

Razi University, Vol. 10, Issue 4 (40), Winter 2021, pp. 125-143

Illustration of the Islamic Revolution of Iran in the Poetry of Mostafa Mohammad Ghamari

Abass Yadollahi Farsani¹

Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Faculty of Theology and Islamic Studies, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran

Received: 12/04/2019

Accepted: 09/02/2020

Abstract

Attention to the Islamic Revolution in contemporary Algerian literature indicates the interest of the poets of this land in matters of destiny such as independence, human dignity and the spirit of martyrdom and self-sacrifice; accordingly, there are many similarities between the Islamic Revolution of Iran and the Algerian Revolution. This study, relying on the descriptive-analytical method examines the image of the Islamic Revolution and its Islamic and revolutionary components in the poetry of Mostafa Mohammad Ghamari - revolutionary poet and Algerian Commitment. This revolutionary poet who has dedicated one of his poetic collections to the Islamic Revolution of Iran, entitled *Khazra Tashregh Man Tehran*; he considers the existence of the religious authority as the most important features of the Islamic Revolution, that is inspired by the reformist ideas of the Ashura uprising, the martyrdom. The present study finally came to the conclusion that some factors have sought the attention of this committed poet to the Islamic Revolution and the praise of a unique figure such as Imam Khomeini in his poetry, the most important of which are the poet's religious education, revolutionary spirit, and the martyrdom wish of Imam Khomeini (ra) is anti-colonialism and it needs to establish an Islamic and divine government based on the teachings of Islam and the teachings of the Qur'an. One of the most important features of the Islamic Revolution in Ghamari poetry is the deep connection with the divine teachings, the existence of a culture of stability and independence, the support of oppressed nations and the creation of unity and solidarity among Islamic nations.

Keywords: Comparative Literature, Islamic Revolution of Iran, Algerian Revolution, Idealism, Religious Authority.



کاوش نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)
دانشگاه رازی، دوره دهم، شماره ۴ (پیاپی ۳۹)، زمستان ۱۳۹۹، صص. ۱۲۵-۱۴۳

تصویرشناسی انقلاب اسلامی ایران در شعر مصطفی محمد غماری

عباس یداللهی فارسانی^۱

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۲۲

دریافت: ۱۳۹۸/۹/۱۳

چکیده

توجه به انقلاب اسلامی در ادبیات معاصر الجزایر از اهتمام شاعران این سرزمین به موضوعات سرنوشت‌سازی همچون استقلال، عزت و کرامت انسانی و روحیه شهادت و ایثار حکایت دارد؛ بر این اساس، شباهت‌های فراوانی میان انقلاب اسلامی ایران و انقلاب الجزایر به چشم می‌خورد. این گفتار، با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی، سیمای انقلاب اسلامی و مؤلفه‌های اسلامی و انقلابی آن را در شعر مصطفی محمد غماری - شاعر انقلابی و متعهد الجزایر - بررسی می‌کند. این شاعر انقلابی که یکی از دیوان‌های شعری خویش را با عنوان *خضرء تشرق من طهران*، به انقلاب اسلامی ایران اختصاص داده است؛ مهم‌ترین شاخصه‌های انقلاب اسلامی را وجود مرجعیت دینی آن، الهام از اندیشه‌های اصلاح‌گرایانه قیام عاشورا، جان‌فشانی و از خودگذشتگی شهیدان می‌داند. جستار پیش رو در نهایت به این نتیجه دست یافت که برخی عوامل، توجه این شاعر متعهد را به انقلاب اسلامی و ستایش شخصیت بی‌ظنیری همچون امام خمینی (ره) در شعر وی به دنبال داشته است که مهم‌ترین آن‌ها تربیت دینی شاعر، روحیه انقلابی و شهادت‌طلبی امام خمینی (ره)، استعمارستیزی و لزوم برپایی حکومت اسلامی و الهی بر مبنای تعلیم اسلام و آموزه‌های قرآنی است. از مهم‌ترین ویژگی‌های انقلاب اسلامی در شعر غماری می‌توان به پیوند ژرف آن با تعالیم الهی، وجود فرهنگ پایداری و استقلال‌طلبی، حمایت از ملت‌های مظلوم و ستمدیده و ایجاد وحدت و یکپارچگی میان ملت‌های اسلامی اشاره کرد.

واژگان کلیدی: ادبیات تطبیقی، انقلاب اسلامی ایران، انقلاب الجزایر، آرمان‌گرایی، مرجعیت دینی.

۱. پیشگفتار

۱-۱. تعریف موضوع

یکی از رویکردهای نوین در عرصه ادبیات تطبیقی، رویکرد «تصویرشناسی» است که پژوهشگر در این عرصه به دنبال آن است که سیمای دیگران را در متون ادبی سرزمین خویش بررسی و تحلیل کند، یا می‌کوشد تصویر فرهنگ خویش و بازتاب آن را در میان سایر ملل واکاوی کند. درحقیقت تصویرشناسی «دانش و روشی است که در آن، تصویر کشورها و شخصیت‌های بیگانه در آثار یک نویسنده یا یک دوره و مکتب مطالعه می‌شود.» (نامورمطلق، ۱۳۸۸: ۱۲۲)

امروزه تصویرشناسی یکی از شاخه‌های ادبیات تطبیقی به‌شمار می‌آید که نظریه‌پردازانی همچون دانیل هنری^۱ و ژان ماری کاره^۲ آن را یکی از زیرمجموعه‌های فعال ادبیات تطبیقی می‌دانند و افرادی مانند رنه ولک^۳ با توجه به وجود نوعی تأثیر یا تأثر در این حوزه، آن را «احیای مجدد درون‌پژوهی قدیم» می‌دانند (۱۳۸۹: ۸۸).

رخداد انقلاب اسلامی در ایران تأثیر شگرفی بر معادلات جهانی داشته است و از این رو مورد توجه جریان‌های سیاسی و محافل بین‌المللی بوده است. نوع نگرش انقلاب اسلامی به ملت‌های جهان و به‌ویژه ملت‌های مسلمان، مبارزه با ددمنشی و ستم‌پیشگی، دفاع از ملت‌های مظلوم، آرمان‌خواهی و آرمان‌نگری بوده و در رأس آن مرجعیت دینی و اسلامی، مهم‌ترین مؤلفه‌ها و شاخصه‌های انقلاب اسلامی است که نظریات و مبانی فکری نوینی را به جهان عرضه کرد و توانست با دست و پنجه نرم کردن با تحولات و تهدیدهای منطقه‌ای و جهانی، جایگاه والایی را به خویش اختصاص دهد. همین نگاه نو در گفتمان انقلاب اسلامی، توجه همگان را به اصول و مبانی فکری آن در پی داشته است.

انقلاب اسلامی در گیر و دار تحولات جهانی، به‌سبب تکیه بر تعالیم الهی و آموزه‌های نورانی دین اسلام و تأسیس تمدن نوین اسلامی، همواره مورد توجه آزادی‌خواهان و حق‌طلبان بوده است و همه کشورهای دوست و دشمن به برتری و توانایی سیاسی و نظامی و معنوی آن اذعان داشته‌اند.

با توجه به آنچه گفته شد، حضور برجسته و پررنگ انقلاب اسلامی ایران و دستاوردهای مختلف آن در میان شاعران و نویسندگان به‌ویژه شاعران دیگر کشورهای اسلامی نشان از قدرت معنوی انقلاب در تسخیر قلب‌های ملت‌هاست و دستیابی به نوع نگرش آن‌ها به انقلاب اسلامی از لطافت و اهمیت ویژه‌ای

1. Daniel Henri

2. Jan Mari Kareh

3. Reneh Velk

برخوردار است.

انقلاب اسلامی ایران در خارج از مرزهای جغرافیایی نیز دوستداران و شیفتگانی دارد که می‌کوشند عظمت و اقتدار انقلاب و شخصیت یگانه امام خمینی (ره)، پرچمدار واقعی این خیزش الهی را به تصویر بکشند. در این میان، نوع نگرش شاعران و ادیبان الجزایر به انقلاب اسلامی و ماهیت و اهداف و آرمان‌های آن قابل تأمل و بررسی است. با دقت نظر در شرایط حاکم بر دو کشور ایران و الجزایر پیش از انقلاب، به‌خوبی روشن می‌شود که این دو کشور در شرایط مشابه و کمابیش یکسانی می‌زیسته‌اند. به‌ویژه آنکه هر دو کشور از نظر ساختار سیاسی، گرفتار نظام استبدادی و استعمار سیاسی و اقتصادی و فکری بوده‌اند. این مسئله، یکی از مهم‌ترین شاخصه‌ها و وجوه فکری مشترک میان هر دو کشور به‌شمار می‌آید که جرعه انقلاب را در هر دو کشور روشن کرد؛ از این رو می‌توان گفت: خیزش استقلال‌طلبانه در هر دو کشور، بستر و خاستگاه مشابهی داشته است که در میان آثار و دستاوردهای ادبی متبلور شده است.

شاعران معاصر الجزایر در شعر خویش از زوایای مختلفی به انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن نگریسته‌اند و این موضوع، نشان‌دهنده تأثیر فکری انقلاب اسلامی و باورها و آرمان‌های آن در محافل ادبی است.

۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف

پژوهش حاضر بر آن است که با تحلیل و بررسی دیوان شعری *خضراء تشرق من طهران* اثر دکتر مصطفی محمد غماری، شاعر مبارز و انقلابی الجزایر، سیمای انقلاب اسلامی ایران و حضور چشم‌گیر مؤلفه‌های آن را در این دیوان واکاوی کند. به‌جرات می‌توان گفت در میان شاعران معاصر در کشورهای اسلامی و عربی، کمتر شاعری را می‌توان یافت که دیوان شعری کاملی را تنها به انقلاب اسلامی ایران اختصاص داده باشد. خود شاعر در مقدمه دیوان به‌روشنی اعلام می‌کند که این مجموعه شعری را به آیت‌الله خمینی (ره) تقدیم می‌کنم و جلد این مجموعه شعری نیز مزین به تصویر حضرت امام خمینی (ره) است که از علاقه فراوان وی به آن انسان وارسته و آرمان‌های انقلاب اسلامی حکایت دارد.

۱-۳. پرسش‌های پژوهش

- شاعر در تصویرسازی انقلاب اسلامی ایران از چه ابزارهایی استفاده کرده است؟
- چه عواملی در توجه مصطفی محمد غماری به انقلاب اسلامی ایران و ستایش وی از این حرکت بزرگ نقش داشته است؟

۱-۴. پیشینه پژوهش

در زمینه دستاوردهای ادبی مصطفی محمد غماری پژوهش‌هایی دیده می‌شود که بیشتر در کشورهای عربی

انجام گرفته است. ولی در ایران تاکنون پژوهشی در شعر وی به‌ویژه از جنبه تحلیل شاخصه‌های انقلاب اسلامی و نوع نگرش وی به ماهیت و تحولات انقلاب اسلامی و تمجید قهرمانان و شهیدان انقلاب اسلامی ایران انجام نگرفته است. در زیر به برخی از پژوهش‌هایی که در شعر مصطفی محمد غماری^(۱) انجام شده است، اشاره می‌شود:

رحیم (۲۰۰۴) نشانه‌شناسی عنوان را در دیوان‌های شعری غماری و کارکردهای معنایی آن بررسی و تحلیل کرده است. بوحلایس (۲۰۰۹) جایگاه دیگران و حضور آنان را در عرصه فکری و سیاسی الجزایر بررسی کرده است. شخصیت دوم در رمان مورد بررسی همان اشغالگری بیگانگان است. مستاری (۲۰۱۶) انواع بینامتنیت و دلایل حضور آن را در شعر غماری بررسی و تحلیل کرده است. وی مهم‌ترین انواع بینامتنیت مانند تاریخی، صوفی و قرآنی را تجزیه و تحلیل کرده است.

طریق (۲۰۰۴) موسیقی شعری و نقش تصاویر شاعرانه را در بیان مفاهیم نوین بررسی است. حنبلی (۲۰۱۳)، نقش میراث‌های ادبی و فکری را در شعر غماری بررسی و تحلیل کرده است که مهم‌ترین آن‌ها انقلاب الجزایر و انقلاب اسلامی ایران است. شایان ذکر است که در این گفتار به شخصیت‌های تاریخی همچون امام حسین علیه السلام و امیر عبدالقادر نیز اشاره شده است؛ زیرا الهام‌بخش انقلاب الجزایر بودند.

۵-۱. روش پژوهش و چارچوب نظری

گفتار پیش رو می‌کوشد با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی، سیمای انقلاب اسلامی و مؤلفه‌های آن را در شعر مصطفی محمد غماری، با تکیه بر دیوان شعری وی (خضراء تشرق من طهران) بررسی کند. جستار حاضر، بر نظریه ادبیات تطبیقی اسلامی مبتنی است. این نظریه، با تأکید بر مشترکات فرهنگی، اجتماعی و مذهبی میان جوامع اسلامی در پی تقویت وحدت و تقریب فرهنگی میان آن‌ها است. بومی‌سازی نظریه‌های ادبیات تطبیقی از دیگر اهداف این نظریه است؛ زیرا ادبیات تطبیقی در معنای غربی آن، بیشتر با اهداف سیاسی ناسیونالیسم و امپریالیست هم‌خوانی دارد و درحقیقت با شرایط فرهنگی و اجتماعی و مذهبی جوامع اسلامی تناسب چندانی ندارد (زینی‌وند، ۱۳۹۵: ۴۵)

۲. پردازش تحلیلی موضوع

پیش از بررسی و تحلیل سیمای انقلاب اسلامی در شعر مصطفی محمد غماری، لازم است نگاهی کوتاه به اندیشه و آثار این شاعر متعهد و مبارز الجزایری افکند و پس از آن پیوند میان انقلاب اسلامی ایران و انقلاب الجزایر بررسی شود.

۲-۱. پیوند میان انقلاب اسلامی ایران و انقلاب الجزایر

کشور الجزایر پس از ۱۳۲ سال توانست به رهبری امیر عبدالقادر و با تشکیل گروه‌های انقلابی به دوران

حکومت استعمار فرانسه در این کشور پایان دهد؛ از این رو مردم مسلمان این کشور، فرهنگ و اسلام جهادی را از درون خیزش‌های امیر عبدالقادر علیه استعمار فرانسه شناختند (ر.ک: برومند اعلم، ۱۳۹۱: ۳۵)؛ به همین سبب، انقلاب الجزایر تنها حرکت مسلحانه صرف برای آزادی از یوغ استعمار فرانسه نبود، بلکه در فراسوی خود هدفی بالاتر داشت که همان متحول کردن انسان الجزایری است (ر.ک: دوغان، ۱۹۹۶: ۲۹).

با تأمل در اسباب و عوامل شکل‌گیری هر دو انقلاب روشن می‌شود که رویکرد تغییر و اصلاح در آن‌ها از چندین عامل مهم سرچشمه می‌گیرد؛ از جمله استقلال‌طلبی و رهایی از یوغ استکبار، آرمان‌خواهی و آرمان‌گرایی، میهن‌پرستی و عشق به سرزمین نیاکان و برقراری عدالت و ارزش‌های الهی و دینی. این حرکت بزرگ در الجزایر بعدها مورد توجه جهادگران و نیروهای انقلابی در ایران قرار گرفت، به‌ویژه آنکه حضرت امام خمینی (ره) در صحیفه نور به این موضوع اشاره می‌فرماید و از انقلاب الجزایر به نیکی یاد می‌کند: «قاره آفریقا با نهضت اسلامی ملی و قیام خونین مردم دلاور الجزایر از خواب گران بیدار شد و کشورها یکی پس از دیگری از چنگال کشورهای استعمارگر نجات یافتند.» (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۱۰: ۳۹۶).

۲-۲. سیمای انقلاب اسلامی در شعر مصطفی محمد غماری

۲-۲-۱. امام خمینی (ره) رمز ایستادگی و شهامت

با دقت در مجموعه شعری *خضراء تشرق من طهران* (خورشید سرسبزی از تهران سربر آورد) عشق و علاقه این شاعر مبارز و انقلابی الجزایری به انقلاب اسلامی ایران و آرمان‌های آن به‌ویژه مرجعیت دینی آن به‌خوبی روشن می‌شود.

شایان ذکر است که غماری این سروده شعری خویش را به انقلاب اسلامی به‌ویژه معمار بزرگ انقلاب اسلامی هدیه می‌کند و در مقدمه دیوان می‌نگارد: این مجموعه شعری را به نماد مبارزه و بیداری اسلامی، امام آیت‌الله روح‌الله خمینی تقدیم می‌کنم؛ همان‌که به نسل‌های اسلامی کنونی شیوه خواندن قرآن کریم و شکست دادن طاغوت و دیوسیرتان را آموخت.

شاعر در عنوان مجموعه شعری خود، انقلاب اسلامی را با رنگ سبز به‌تصویر می‌کشد و رنگ سبز تداعی‌کننده مفهوم صلح و آرامش و امنیت در شریعت اسلام و انقلاب اسلامی است. پس رسالت انقلاب اسلامی از دیدگاه این شاعر مبارز، در این نهفته است که امنیت و آرامش را برای بشر به‌ارمغان می‌آورد.

از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که عشق و علاقه فراوان این شاعر به انقلاب اسلامی را در پی داشته، آرمان‌خواهی و آرمان‌گرایی شاعر در استقرار نظام اسلامی مبتنی بر تعالیم الهی است و این بدان سبب است که شاعر «مزه تلخ استبداد و استعمار را به‌خوبی در زادگاهش چشیده و نیک به این موضوع آگاه است که

خوشبختی یا سیه‌روزی انسان تنها در سایه‌سار پیروی از تعالیم الهی نهفته است، به همین جهت وی نظام سیاسی و ایده‌آل را در انقلاب اسلامی ایران جستجو می‌کند و عشق و ارادت خود را به خمینی [ره] آشکارا و با القابی همچون «حسین زمان»، «زاده فاطمه زهراء (س)»، «آزاده‌مرد»، «وارسته»، «جوانمرد تهران»، «قهرمان جنگ بدر»، «جانشین امام علی (ع)» و... یاد می‌کند. (شلتاغ، ۱۹۸۵: ۱۴۵)

شاعر در ستایش از مقام معنوی و مبارزاتی امام می‌گوید:

۱. أُرَاهُنُ أَنْ الْعَالَمِينَ قَبُورٌ وَأَنْتَ فِي دَرْبِ الْعَصُورِ حَضْرُورٌ
۲. غَدًا يَا فَتَى طَهْرَانَ بِالضَّوِّ مَرْتَفِعٌ غَدًا فِي لَهَاةِ الْعَاشِقِينَ مَطِيرٌ

(همان: ۱۹۸۰: ۷۵)

(ترجمه: ۱. بر این باورم که گیتی به‌سان آرامگاه‌ها است و تو پیوسته در صحنه کارزار ثابت و راسخ می‌مانی. ۲. ای جوانمرد تهران! فردا تو نام‌آور روشنی و تابندگی هستی و نام تو بر زبان شیفتگان به‌پرواز درمی‌آید.)

غَدًا يَا ابْنَ الطَّلِيْقِ أَرَاكَ تَجْنِي مِنْ الْجِرْحِ الْمُقَدَّسِ كُلِّ فَخْرٍ

(همان: ۲۸)

(ترجمه: ای آزاده‌مرد، تو را می‌بینم که از ژرفای رنج‌های پاک، سرفرازی و مباحات را خوشه‌چینی کنی.)

غماری در نگویش رژیم شاهنشاهی قصیده‌ای با نام «أُرَاهُنُ أَنْ الْعَالَمِينَ قَبُورٌ» دارد که در آن، نام سرکردگان و مزدوران نظام شاهنشاهی به‌ویژه واژه «شاه» را بیان می‌کند و بیدادگری‌ها و ستم‌های این نظام سیاسی را درقبال مردم ایران به‌تصویر می‌کشد. مراد شاعر در این چکامه از واژه (ستمگران)، نیروهای گارد شاهنشاهی است. روشن است که شاعر در مقام تمجید از جایگاه والای حضرت امام خمینی (ره)، از کنایه به‌عنوان ابزار بیانی مؤثر استفاده کرده است؛ وی امام را با عنوان «فتی طهران» و «ابن الطلیق» یاد می‌کند. اسناد فعل «تجنی» به مصدر «فخر» نیز استعاره‌مکنیه است.

بدون شک می‌توان گفت که برای پیروزی هر انقلابی، حضور رهبر محبوبی به‌عنوان طلایه‌دار و مبارز انقلابی که آرزوها و آمال توده‌های مردم را برآورده کند و برای ایجاد شور و هیجان و حمایت وفادارانه از جنبش انقلابی، نقش محوری و بایسته دارد (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۹: ۷۰).

۲-۲-۲. تهران و قم، خاستگاه و کانون انقلاب اسلامی

در شعر غماری، «تهران» و «قم» به‌عنوان دو نقطه کانونی انقلاب اسلامی تأکید شده‌اند و شاعر این دو شهر را به‌مثابه شهرهایی معرفی می‌کند که خیزش انقلاب اسلامی از آن‌ها شروع شده است و در قاموس شعری خود از این دو شهر به‌منزله قهرمانان انقلاب یاد می‌کند و زبان به ستایش آن‌ها می‌گشاید. واژه تهران هجده بار و قم ده بار در این سروده تکرار شده است. آنجا که می‌سراید:

«هیئات أن تبدو علی «طهران» شمسک یا ظلام/ فعلی ربا «طهران» سیف الله ... یحمله «الإمام»/ هیئات أن یرتد «عرش»
 راح یبکیه اللنام.» (۱۹۸۰: ۱۱۵)

(ترجمه: ای تیرگی و تاریکی، بعید است که خورشید تاریکی‌ات بر تهران سایه اندازد./ بر فراز تپه‌های تهران شمشیری آخته وجود دارد که امام خمینی (ره) آن را به دست گرفته است./ بعید است که تخت پادشاهی‌ای که فرومایه‌گان بر آن تکیه زدند، برگردد.)

استفاده از جلوه‌های زیباشناختی در این ابیات روشن است؛ زیرا افق‌های نوینی را برای شاعر می‌گستراند تا با استفاده از آنها، اندیشه‌های ناگفته و درونی خویش را بازگوید. بای نمونه، آرایه تشخیص در عبارت «یا ظلام» یا تضاد میان «شمس» و «ظلام» بر زیبایی چکامه افزوده است.

غماری چکامه‌ای به نام «مسئله القرن العشرين» (مسئله قرن بیستم) سروده است که در آن تصویر رژیم شاهنشاهی و خیانت‌های آنان را ترسیم می‌کند. در همین قصیده، منظور شاعر از دروغگوی قرن بیستم، شاپور بختیار است که در کنفرانس ژنو در پاریس، سقوط انقلاب اسلامی را پیش‌بینی کرده بود. شاعر در اینجا وی را با لقب «دروغگو» توصیف می‌کند.

شهر مقدس قم در اندیشه شاعر انقلابی و پیکارگر الجزایری، نماد شهامت، شهادت و ایثار است و او به شهدای این شهر افتخار کرده و مردم را به پیروی از رهبر انقلاب و آرمان‌های بلند وی سفارش می‌کند و می‌گوید:

«یا «قم» یا أم الشهید ... توائی ... صلی ... وثوری/ عینک یا رمز الفتوحات والجهاد ... مسافنان/ توائبان بحجم إصرار
 «الإمام» وشرقان/ بدم الشهادة تورقان ... بعطرها تقربان/ وبآية الرّفص المصبنة في الدّجی تستصحبان/ عینک یا بنت الحسین،
 علی الجفاف غماتان» (غماری، ۱۹۸۰: ۱۲۳)

(ترجمه: ای قم، ای جایگاه شهید، برخیز و نماز بگزار و انقلاب کن./ ای نماد پیروزی و پیکار، چشمانت/ با همت متعالی امام خمینی (ره) می‌درخشد و نورافشانی می‌کند./ چشمانت سرشار از عطر شهادت است/ و با نشانه تابان ترمذ و سرکشی بر نظام حاکم می‌درخشد./ ای دختر حسین (ع)، دیدگانت در برابر خشکی‌ها همچون ابر باران‌زا هستند.)

استفاده از آرایش‌های لفظی و معنوی بر زیبایی این بیت‌ها و تأثیر آن افزوده است؛ برای مثال به کاربردن آرایه تشخیص (یا قم)، تکرار افعال مضارع برای نشان‌دادن استمرار و دوام انقلاب و به کاربردن کنایه (بنت الحسین)، نشان از توجه و علاقه شاعر به حرکت انقلاب دارد.

چنان‌که در این ابیات ملاحظه می‌شود؛ نمادپردازی در به تصویر کشیدن قدرت انقلاب اسلامی، یکی از فنون مؤثر شاعر در بیان دیدگاه خویش نسبت به انقلاب اسلامی است. غماری در تمام سروده خویش به اندیشه اسلامی و حامی انقلاب اسلامی و گروه‌های جهادی و انقلابی وفادار بوده و همواره دغدغه‌های دینی

و اسلامی، موضوع نخست اندیشه وی بوده است؛ بنابراین، می‌کوشد که «ارزش‌های معنوی اسلام را به‌عنوان مبنای فکری خویش برگزیند تا بتواند براساس آن‌ها، دیدگاه‌های اسلامی و انقلابی خویش را به‌تصویر بکشد و از این راه توانست توانمندی شعری و هنری خویش را که حتی شاعران دهه هفتاد الجزیرای از آن برخوردار نبودند، به‌رخ دیگران بکشد.» (یوسف، ۲۰۰۲: ۲۳۱)

۲-۳. پیوند انقلاب اسلامی با هویت ملی و اسلامی

شاعران و نویسندگان معاصر مسلمان، به‌ویژه در کشور الجزایر، بر این باورند که انقلاب اسلامی ایران عنصر ایمان و توکل به خداوند متعال و تکیه به داشته‌های درونی را در میان ملت‌های مسلمان زنده کرد؛ از همین روست که شاعران و نویسندگان معاصر الجزایر «انقلاب اسلامی را نقطه عطفی در بازآفرینی حس اعتماد به نفس و توجه به میراث دینی و اسلامی به‌تاریخ‌رفته مسلمانان می‌دانند و بر این باورند که مرجعیت دینی آن، به‌ویژه امام خمینی (ره) نقش مهمی در بنیان‌گذاری این اندیشه ناب داشته است؛ ضمن آنکه نوع نگرش آنان به انقلاب اسلامی توأم با تکریم و تقدیس این خیزش بزرگ تاریخی و الهی بوده است.» (نزار، ۱۹۷۹: ۱۳۸-۱۳۹).

غماری بر این باور است که انقلاب اسلامی ایران، نفسی نوین در کالبد بی‌رمق کشورهای مسلمان دمید و پس از قرن‌ها ناتوانی و ستم و استعمار، دوباره آنان را زنده کرد. در این میان، مهم است که انقلاب اسلامی بر همه تبعیض‌ها و ستمگری‌ها خط بطلان کشید و هویت اسلامی و الهی را به تمام کشورهای مسلمان بازگرداند و خط مشی زندگی الهی را برای همگان ترسیم کرد عزت و کرامت از دست‌رفته را برای انسان دردمند کنونی به‌ارمغان آورد؛ شاعر در این باره می‌سراید:

«من نحن؟ تفرؤنا اللدروب الخضر ... توغل في هوانا/ من نحن؟ وانطلقت جياذ الرّفص أقرؤها قصيدة/ موجًا من الحلم الجديد ألم في وتري جديدة/ وتميد في «قم» الجهاد حدوده. أهوى حدوده/ ثار الحسين، فمّت بدائك ... مت بغيطك يا «يزيد»/ ثار الحسين ... وفي يده النار والأمل الجديد/ للكداحين على الدروب الخضر تغريهم وعود/ ولأنت وعد الغيب ... يا مطراً تميم به الورود/ لا «الشاه» يلحد في الضياء ولا رؤاه تشلّ داري/ ما عاد للدولار سوق في مزادات الصغار.» (۱۹۸۰: ۸۵)

(ترجمه: ما کیستیم؟ راه‌های سبز، ما را به‌سوی خویش فرامی‌خواند. در ژرفای ما رسوخ می‌کند./ ما کیستیم؟ اسبان سرکشی و نافرمانی تاختند و من برایشان چکامه‌ای می‌خوانم/ که حاوی موجی از رؤیای نوین است که در وجودم به تازگی می‌جوشد./ جوشش و خروش موج‌ها شهر «قم» را درمی‌نوردد ... جوشش را دوست دارم./ حسین (ع) به‌پا خاست. پس ای یزید! از شدت خشمت بمیر./ حسین (ع) خیزش کرد و در دستش آتش و آرزوی نوین است./ رنج کشیدگان درمیان راه‌های سرسبز، به امید و آرزوهای فراوانی دل بسته‌اند./ تو، همان وعده الهی هستی. ای بارانی که گل‌ها و شکوفه‌ها عاشق و دل‌باخته آن هستند./ نه شاه می‌تواند در پس روشنایی پنهان بماند؛ و نه آسیبی از وی به

خانه من می‌رسد. / بازار مزایده و حراج دلار هم دیگر بازمی‌گردد.)

در ابیات بالا، شاعر از صنعت بلاغی استفهام مجازی (من نحن؟) استفاده کرده است، تا هویت فراموش شده و به یغمارفته خویش را بازستاند؛ ضمن آنکه می‌کوشد با بهره‌مندی از آرایه تضاد میان دو واژه حسین (ع) و یزید، ستیز میان حق و باطل را به تصویر بکشد.

با دقت در این چکامه، روشن می‌شود که منظور از امام حسین (ع) همان خیزش انقلابی امام خمینی (ره) و مراد از یزید نیز، نظام شاهنشاهی و در رأس آن شاه ایران است. در این چکامه، پیوندی ناگسستی میان انقلاب اسلامی و قیام عاشورا و مکتب انقلابی و اصلاح‌گرایانه سید الشهداء به چشم می‌خورد. درحقیقت، انقلاب اسلامی ایران زایش و سیمای تابان دیگری از خیزش عاشورا در اندیشه این شاعر انقلابی دارد؛ که با تجلی خویش بارقه‌های نوینی در محافل داخلی و بین‌المللی به وجود آورد؛ چنان‌که ذکر اشخاص و نقاط جغرافیایی در این چکامه، نشان از آشنایی فراوان شاعر به فرهنگ سیاسی و آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی دارد.

۲-۲-۴. پیوند انقلاب اسلامی با نهضت عاشورا

با مقایسه میان قیام عاشورا و ظهور انقلاب اسلامی نقاط اشتراک فراوانی به دست می‌آید که به خوبی روشن می‌کند که حرکت انقلاب اسلامی در راستای قیام خونین کربلا بوده است و هر دو هدف و رسالت مشخصی را به عهده داشتند؛ به همین خاطر، نهضت عاشورا و در رأس آن سیمای سیدالشهداء (ع)، نماد انقلاب، طهارت و پاکی و معصومیت نوع انسانی معاصر و یزید رمز نیروی خودکامه معاصر است.

در شعر انقلابی الجزایر، شهید و فرهنگ شهادت‌طلبی جایگاه والایی دارد؛ به دلیل اینکه این کشور سالیان متمادی در چنگال استعمار گرفتار بود و تنها از راه جان‌فشانی و ایثار توانست به استقلال واقعی دست یابد و هویت ازدست‌رفته خویش را بازیابد؛ از این رو، مفهوم شهادت در ادبیات متعهد و انقلابی الجزایر جزء مفاهیم چالشی و تأمل‌برانگیز به‌شمار می‌آید که بیشتر تداعی‌کننده مفهوم پیروزی در برابر ساختاری سخت و یک‌جانبه‌نگر است (ر.ک: رکیبی، ۲۰۰۹: ۳۴)؛ به همین جهت، شهید هرگز در ادامه راه خویش دچار شک و تردید نمی‌شود (ر.ک: کراکی، ۱۹۹۸: ۲۵۶)؛ غماری در این باره می‌سراید:

«سيف حسيني الرؤى متوآب بعدًا مدیدًا/ من عمق أعماق الجراح یصوغنا فجرًا جدیدًا.» (۱۹۸۰: ۱۱۵)

(ترجمه: شمشری از نسل حسین (ع)، / از ژرفای دل‌خستگی‌ها و دردها برای ما سپیده‌دمی نوین می‌آفریند.)

در جای دیگر چنین می‌سراید:

«أهواك في طهران سیفًا رافضًا/ حدها في سفر الجراح فداء/ یقتات من ماضیه. یسرب من عبون الأنبياء/ مطر تواب في مدى

طهران بدري الفداء/ ودم الحسين يثور عبر دماننا مطراً... یقیناً/ کنا به.. ویدونه تأی الملامح أن نکونا.» (۱۹۸۰: ۸۳-۸۴) (ترجمه: تو را در تهران همچون شمشیری نافرمان و برنده دوست می دارم./ شمشیری که جانفشانی و ایثار او را در این مسیر همراهی می کند./ از پیشینه کهن خود و از سرچشمه پیامبران الهی سیراب می شود./ بارانی به پهنای تهران که پیش مرگ جنگ بدر است./ بی شک، خون حسین (ع) در وجود ما همچون باران می تراود./ ما بدون این خون نمی توانیم زنده بمانیم.)

در ابیات بالا، به کاربردن آرایه بلاغی تشخیص (سیف و مطر) و نسبت دادن افعال و صفات به آنها، بر زیبایی متن شعری افزوده است و باعث جلب توجه خواننده می شود.

مقایسه میان انقلاب اسلامی و جنگ‌های صدر اسلام؛ همچون صفین و بدر نشان از آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی و توانایی اش در به ثمر نشاندن خون شهدا و ایثارگران دارد؛ به همین سبب، غماری «پیوسته در شعرش حامی انقلاب اسلامی ایران است و بر شهدای انقلاب گریه می کند و چکامه‌های خویش را با آتش و اشک درمی آمیزد تا از عظمت این انقلابی که کاخ بت‌های پوشالی معاصر را درهم کوبید، پرده بردارد.» (حمیلی، ۲۰۱۳: ۱۲)

غماری، معتقد است شعری که تصویرگر درد و رنج توده‌های مردم یک جامعه نباشد، سروده‌ای تهی و دروغین و آفرینشی ادبی است که تنها پژوهش جلب توجه می کند؛ بدون آنکه در ضمیر خسته انسان دردمند تأثیرگذار باشد (غماری، ۲۰۰۳: ۷)؛ از این رو، برخی ناقدان ادبی معاصر بر این باورند که تنها دغدغه اصلی غماری، رسالت انقلابی و اسلامی ادبیات است و این موضوع آنقدر برایش مهم است که شعرش تصویرگر ستیز میان اسلام و جاهلیت مدرن است (ر.ک: بومنجل، ۲۰۱۵: ۳۴).

۲-۲-۵. انقلاب اسلامی ایران امید ستمدیدگان

انقلاب اسلامی ایران در شعر معاصر الجزایر، یکی از روزه‌های امید این ملت رنج‌دیده در رهایی از چنگال ظلم و استبداد بوده است؛ از همین رو، شاعران معاصر الجزایر «انقلاب اسلامی را نماد رهایی و تبلور احساس و عواطف انسانی می دانند و مرجعیت دینی و اسلامی را به عنوان نقطه ثقل و قوت این خیزش ملی به شمار می آورند. درحقیقت، انقلاب ایران پاسخی گویا و کوبنده به خواسته‌های ملتی بزرگ و قدرتمند بود که با تکیه بر خداوند متعال و با شعارهای ملت‌های دربند پا به عرصه وجود نهاد و معادلات جهانی را متحوّل کرد.» (هیمة، ۲۰۰۵: ۹۸) از این جهت، می توان گفت که ادبیات معاصر الجزایر برآمده از زندگی ملتی است که سالیان درد و رنج را به دوش کشیده است و تصویرگر رنج ملتی از جان گذشته و فداکار است که هرگز به عقب بر نمی گردند و همواره بر موضوع پایداری و پایمردی پافشاری می کنند (ر.ک: ابوالقاسم، ۲۰۰۹:

(۳۲).

غماری نیز بر این باور است که انقلاب اسلامی ایران همواره منادی رهایی مظلومان و ستمدیدگان از بند استکبار و استعمار است و می‌گوید:

«هي ثورة خضراء يصنع بعدها إصرار ناري/ سيف يجوب الدرب تعشقه مواويل الصغار/ للكاحين غد، بأمطار الربيع، غد خصب/ غدنا برغم اللاهثين غد كما نوي، قريب.» (۱۹۸۰: ۸۶)

(ترجمه: آن انقلابی خرم و سرسبز است که پس از آن، آتشش در وجودم شعله می‌کشد. / شمشیری است که مسافت‌ها را درمی‌نوردد؛ حال آنکه سرودهای کودکان بدان عشق می‌ورزند. / پس از بارش باران‌های بهاری، فردایی پر نعمت و خرم برای ستمدیدگان فراهم می‌شود. / فردای ما، برخلاف میل بدخواهان؛ فردایی نزدیک و مطلوب خواهد بود؛ آن‌چنان که دوست داریم.)

در ابیات بالا، شاعر واژه (غد) را چهار بار تکرار کرده است. این تکرار واژه، افزون بر آنکه دغدغه و اهتمام شاعر را نسبت به دورنمای انقلاب اسلامی نشان می‌دهد، بیان‌کننده این موضوع است که آینده سرشار از امید و آرزوهای شیرین خواهد بود و در آن روز، امید ستمدیدگان تحقق می‌یابد.

«تجوب مراياها الحدود، وينتخي/ بآياتها مستضعف وفقير.» (همان: ۷۶)

(ترجمه: این انقلاب مرزها را می‌پیماید/ و ناتوان و نیازمند به سمتش حرکت می‌کنند)

دستگیری از ستمدیدگان و پیکار با دیوسیرتان و زورگویان، از دیگر شاخصه‌های اصلی در انقلاب اسلامی به‌شمار می‌آید که توجّه شاعر معاصر الجزایری را به خود معطوف داشته است. با توجّه به آنچه در میان حرکت‌های انقلابی و سیاسی در دنیا اتفاق می‌افتد، گاهی ممکن است نیروهای حامی انقلاب یا حرکت‌های سیاسی در مسیر تحقق وعده‌های خویش، دچار لغزش و فراموشی شوند، اما انقلاب اسلامی ایران از آغاز پیدایش، آرمان خویش را بر یاری ستم‌دیده و نبرد با ستمگر بنا نهاد.

۲-۲-۶. تکریم شهدای انقلاب اسلامی

فرهنگ شهادت و ایثار و از خودگذشتگی، یکی از محورهای مشترک میان انقلاب اسلامی ایران و انقلاب الجزایر به‌شمار می‌آید. کشور الجزایر، استقلال و آزادی خویش را مرهون یک میلیون شهید می‌داند و ملقب به کشور یک میلیون شهید شد. این موضوع نشان‌دهنده نقش شهیدان در بارورشدن انقلاب و پیروزی بر طاغوتیان است؛ از این رو، فرهنگ شهادت در میان اقشار مختلف جامعه الجزایر از جایگاه والایی برخوردار است؛ و تحلیل گفتمان شهادت و ایثار نیز از مهم‌ترین مؤلفه‌های پایداری و رهایی در شعر معاصر الجزایر به‌شمار می‌آید و گونه‌ای ژرف از ادبیات متعهد در شعر شاعران این سرزمین به‌چشم می‌خورد. در نتیجه، شاعران معاصر الجزایر مفهوم شهادت را به‌عنوان ابزار نیرومندی برای تحقق آزادی و آزادمردی و رهایی از

یوغ زیاده‌خواهان به کار گرفتند، و همواره شعرشان رنگی خونین به خود گرفته است (ر.ک: درار، ۱۹۸۴: ۱۴۳).

غماری نیز در سروده‌های خویش بر نقش محوری شهدا در پیروزی انقلاب اسلامی تأکید می‌کند و آشکارا به تمجید شهدای انقلاب اسلامی به‌ویژه شهید مطهری و شهید بهشتی می‌پردازد و شهید مطهری را تئوریسین و فیلسوف انقلاب اسلامی می‌داند و چکامه‌ای دلنشین با عنوان «إلی روح شهید الجهاد الإمام آية الله مطهری» می‌سراید و به ستایش از مقام علمی و انقلابی وی می‌پردازد و می‌گوید:

«أ مطهری، طهران فی مقل الأسی/ تنعك حرقاً طاهرًا و ضیاء/ تنعك ... توغل فی السواد حدودها/ ألما ... وترفض أن تموت هباء/ أ مطهری، إن یقتلوك فإنهم/ لن یطفنوا أضواءنا العذراء/ أضواءنا بدریة ... فی عمقها/ شعب توحده غاية ووفاء.» (۱۹۸۰: ۱۰۹ و ۱۱۰)

(ترجمه: ای مطهری! تهران در بحبوحه حزن و اندوه گرفتار است./ خبر شهادت تو را می‌آورد، حال آنکه شهادت تو سرشار از پاکی و روشنایی است .../ خبر شهادت تو را بازگو می‌کنند ... تهران سرتا سر سوگوار است./ شهادت تو بی‌اثر نمی‌ماند .../ ای مطهری، اگرچه تو را شهید کردند،/ اما آنان نمی‌توانند پرتوهای معصومانه ما را خاموش کنند./ پرتوهای بدرگونه ما ... در ژرفای این پرتوها،/ ملتی متحد در آرمان و هدف نهفته است.)

در ابیات بالا، شاعر از صنعت مجاز استفاده کرده است؛ آنجاکه واژه «طهران» را بیان می‌کند و منظورش مردمی است که در این نقطه زندگی می‌کنند و در میان ابیات شعری نیز آرایه تکرار واژه «مطهری» و «تنعك» دیده می‌شود.

غماری، پس از ترور شهید بهشتی، ایشان را نماد فداکاری و جان‌فشانی در راه حق معرفی و او را با شخصیت امام حسین (ع) مقایسه می‌کند و می‌گوید: نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
برهان بن علوم اسلامی

«قتلوك یا سیف الحسین ویا أصالة ذی الفقار/ قتلوك یا رمز الشهادة فی مسافات الفخار/ أنت الخلود وقاتلوك اللیل یصلبه التّهار.» (۱۹۸۰: ۱۰۹-۱۱۰)

(ترجمه: ای شمشیر حسین (ع) و ذوالفقار علی (ع)، تو را به شهادت رساندند./ ای نماد شهادت، تو را در مسیر فخر و مباهات به شهادت رساندند./ تو ماندگار و جاویدان هستی و قاتلان تو همچون شب هستند که پرتوافشانی روز، آن را از بین می‌برد.)

در این ابیات، شاعر از آرایه تکرار برای تثبیت معنا در ذهن خواننده استفاده کرده است. این‌گونه تکرار افعال و حروف بیان‌کننده نقش ارزنده شهید بهشتی در اندیشه انقلابی شاعر و آگاهی وی از تحولات انقلاب اسلامی است. ضمن آنکه صنعت تضاد نیز میان دو واژه (لیل و نهار) دیده می‌شود. شاعر در ترکیب «قاتلوك اللیل» از تشبیه بلیغ بهره برده تا مبالغه در مفهوم شعری را نشان دهد.

«طهران یا فتحاً جدیداً تاه بالفتح التلید/ کونی «بهشتی» یا سرا یا الله یا ثار الشَّهید/ لن یطفئوا نور السَّماء التَّور یعشقه الخلود/ هذه جوارحنا عطاش وإننا قدر الصمود/ قدر التَّحدي نحن من صنعوا الشَّهادة في الوجود.» (۱۹۸۰: ۹۵)

(ترجمه: تهران، ای گشایش نوین که با پیروزی کهن به خود می‌بالد./ همچون «بهشتی» باش. ای لشکریان خدا و ای انتقام شهید/ آنان هرگز نخواهند توانست نورافشانی آسمان نیلگون را خاموش کنند؛ زیرا جاودانی، دلباخته و شیفته‌ی روشنایی است./ این بیکرهای ماست. تشنه است. ما معنای واقعی پایمردی و پایداری هستیم./ ما همان کسانی هستیم که در هستی، شهادت را بنیان نهادیم.)

استفاده از صنعت بلاغی مجاز در واژه (طهران) و تکرار ندا نیز از جمله ظرافت‌های بلاغی این چکامه است که باعث توجه خواننده به موضوع انقلاب اسلامی شده است. در این چکامه، به خوبی روشن است که غماری شهدای انقلاب اسلامی را وارثان حقیقی این خیزش بزرگ می‌داند. در تلاطم انقلاب اسلامی ایران، شهید بهشتی و شهید مطهری نقش مهمی داشتند و با اندیشه و عمل نیک خویش، راه پیروزی در برابر دشمنان و طاغوت را فراهم کردند. غماری، نیک آگاه است که در انقلاب الجزایر نیز مجاهدان و ایثارگران بزرگی همانند امیر عبدالقادر تأثیر بسزایی در پیروزی علیه استعمار فرانسه و انگلیس داشته‌اند؛ و بدین خاطر است که تکریم شهدا و جان‌فشانی آنان در شعرش از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

۲-۲-۷. انقلاب اسلامی نماد وحدت و همبستگی

سیمای انقلاب اسلامی در شعر معاصر الجزایر از این جهت بسیار روشن و مبرهن است و با اندکی تأمل در سروده‌های شاعران مبارز و انقلابی الجزایر آشکار می‌شود که مهم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی در این حوزه، «تبدیل وحدت و همبستگی میان کشورهای اسلامی و جنبش‌های اصلاح‌گرا، به یک گفت‌وگو غالب و ظهور یک استراتژی کلان اسلامی است که توانست با پتانسیل نیرومند خویش، عزت و اقتدار و صلابت رویارویی با مستکبران و دشمنان دین را در کالبد ملت‌ها جاودانه کند.» (خلیل، ۱۹۸۲: ۶۷)

غماری، در شعر خویش انقلاب‌ها و حرکت‌های جهادی در پاکستان، افغانستان و فلسطین اشغالی را ناشی از الگوپذیری مردم این سرزمین‌ها از انقلاب اسلامی می‌داند و این موضوع، نوعی صدور انقلاب به‌شمار می‌آید. وی، بر این باور است که اگر مردم این سرزمین، خواهان آزادی و رهایی از سلطه بیگانگان هستند، لازم است در آغاز به تعالیم آسمانی اسلام و پس از آن به اصول و مبانی انقلاب اسلامی ایران رجوع کنند و آن را به‌عنوان اسوه نیکو برگزینند؛ زیرا انقلاب اسلامی هویت نوینی را در دل‌ها آفریده است. شایان ذکر است که غماری در شعر انقلابی خویش از اندیشه‌های انقلابی محمد اقبال لاهوری متأثر بوده است و در دیوان شعری خویش با نام «أسرار الغریبة»، دو قصیده در ستایش این شاعر مجاهد با عنوان «بین یدی إقبال» و «نجوی إقبال» سروده است. غماری در اندیشه و شعر اقبال به خوبی دقت نظر داشته است و پس از خواندن دو

دیوان شعری اقبال با نام «أسرار سودی» و «دیوان الغرباء»، با اقتباس از این دو عنوان، برای بزرگداشت محمد اقبال نام یکی از دیوان‌های شعری خویش را «أسرار الغریبة» می‌نهد.

درباره نقش انقلاب اسلامی در ایجاد روحیه همبستگی و وحدت می‌گوید:

«لن يقهر الصّاروخُ ثورة «آیه» / ترسو علی شطّ السّلام وتبحر / أوراس، یا «قُم» الشّهدید، أصالة/ تسمو علی خطب الزّمان وتظهر / نحوه فی «لاهور» وعد رافض / ومداه فی «طهران» غر کبیر / لاهور تزرع مدی خضراً / وجیاد «قم» تروذ غایاتی / ثوری علی الزّیف یا طهران وانفجری.» (۱۹۸۰: ۹۵ و ۱۳۲)

(ترجمه: موشک هرگز بر انقلاب آیت‌الله [امام خمینی (ره)] چیره نخواهد شد. / این انقلاب بر ساحل امنیت و صلح و دوستی پهلو گرفته است و دریاها را در می‌نوردد. / ای شهر قم، خاستگاه شهید، «أوراس» (نام کوهی در الجزایر و با همین نام که در شعر معاصر الجزایر، نماد پایداری و استواری است)، نشان اصالت و قدمت است / که در گذر روزگاران سرفراز و سربلند هستند. / پژواک این حوادث در کشور «لاهور»، وعده نافرمانی و سرکشی در برابر دشمنان را می‌دهد. / بازتابش در تهران، دریایی خروشان است. / «لاهور»، امید به روزگار خرم را در سر می‌پروراند / و اسبان تیزرو در شهر قم به سمت درفش‌هایم می‌تازند. / ای تهران، علیه دروغ قیام کن و انقلابی برپا کن.)

در ابیات بالا، واژه «آیه» کنایه از امام خمینی (ره) است و شاعر واژه «طهران» را ندا قرار داده است تا مجاهدان را به ادامه‌دادن خیزش خویش فراخواند؛ که در این ترکیب از مجاز به علاقه‌حالیه استفاده کرده است. اسناد افعال و صفات به «قم» و «لاهور» نیز مجاز به‌شمار می‌آید.

در اندیشه جهادی غماری، «أوراس» تنها محدود به الجزایر نمی‌شود؛ بلکه نوعی نماد برای درنوردیدن زمان و مکان است تا آنکه به «تهران» و «لاهور» و «افغانستان» هم برسد. از همین روست که می‌توان این شاعر معاصر الجزایری را در شمار شاعران نمادین در ادبیات معاصر به‌شمار آورد. درحقیقت، به‌کارگیری نمادها در شعرش نشان از آگاهی ژرف وی به کیفیت بهره‌گیری از ابزارهای زبانی برای رویارویی با قضایای روز جهان اسلام، به‌ویژه موضوع اشغال بیگانگان و رویارویی با دنیای مادی‌گرا است. این موضوع، وی را بر آن داشته است تا دست به نوعی ترکیب و آمیزش میان عناصر نوآوری هنری بزند تا بتواند از این راه اندیشه‌های انقلابی خویش را به‌خوبی ترسیم کند.

۲-۸. تکوهش طاغوت و طاغوتیان

با توجه به آنکه انقلاب اسلامی ایران و انقلاب الجزایر، زائیده پیکار در برابر نیروها و عوامل دست‌نشانده بیگانگان است و استکبارستیزی و دست‌یابی به عزت و استقلال در همه جوانب، از مهم‌ترین محورهای قیام در هردو انقلاب به‌شمار می‌آید، شاعران و نویسندگان به تمجید و ستایش نیروهای انقلابی و ایثارگر پرداختند و مردم جامعه را نسبت به خیانت‌پیشگی مزدوران دست‌نشانده آگاه کردند. غماری، بر این باور

است که «آفت هر نوع حرکت انقلابی در همه دوران‌ها از زمان پیغمبر اکرم (ص) تا دوران معاصر، نفوذ عناصر مزدور و فرصت‌طلب است تا دستاوردهای آرمانی هر ملتی را به یغما ببرند؛ از این رو، لزوم تداوم یک انقلاب را بیرون‌راندن عناصر فرصت‌طلب و جیره‌خوار می‌داند که راه را برای انجام هر گونه اصلاحی در سطح خرد و کلان جامعه مسدود می‌کنند.» (عبدالرحمن خلیل، ۱۹۷۱: ۱۹۳)

غماری در سروده‌های خویش به نکوهش و انتقاد از رژیم شاهنشاهی می‌پردازد و آن را نظامی سلطه‌گر و خودکامه معرفی می‌کند و سرکرده‌های آن را دست‌نشانده دولت‌های غربی می‌داند. وی، در چکامه‌ای با نام «مسیلمة القرن العشرين»، شخصیت پوшالی شاپور بختیار را به‌عنوان یک دروغگو و خائن به ملت‌های انقلابی و اسلامی معرفی می‌کند و به مردم ایران توصیه می‌کند که پرده از چهره واقعی وی بردارند:

«شاپور» تسخر ... حين تغريك المنى، الأيام تسخر/ فاندب علی قرع الكؤوس فراق عرك حين تكسر/ «شاپور» یا أفعی، بكف القتالین ضیاء فجری/ «شاپور» كم سخر القضاء ... فكنت وزرا أو وزیراً/ وصنعت فی الزمن المتوج من دم الشعب الحُمورا/ ورأيت، یا أعمی البصيرة، كيف تغدو مستجیراً/ «شاپور» لا تبك الدروب، فإن دمك مستعار/ بیکی علی «طهران» من باع الرجولة بالصغار. (۱۹۸۰: ۱۱۶)

(ترجمه: ای شاپور! آنگاه که آرزوها تو را فریب می‌دهد، ریشخند می‌زنی. / روزگار تو را به سخریه می‌گیرد؛ به خاطر از دست‌دادن عزت و شکوهت، بر طبل‌های فراق و جدایی بکوب. / ای شاپور! ای اژدها در دست پیکارگران! نور تابان سپیده‌دمان است. / ای شاپور! چقدر تقدیر و سرنوشت را به مسخره گرفتی. تو بار گران بودی یا وزیر؟ ... / در دوران وزارت، از خون ملت شراب‌هایی فراهم کردی / و ای بی‌بصیرت، به زودی خواهی دید که چگونه پناهنده خواهی شد. / شاپور، بر مسیر انقلاب اسلامی مویه نکن، زیرا اشک‌هایت دروغین و ساختگی است. / امروز، بر دردهای تهران کسی گریه می‌کند که مردانگی را به‌جای حقارت و پستی فروخت.)

در ابیات شعری بالا، آرایش‌های بلاغی به‌چشم می‌خورد که شاعر به‌وسیله آن‌ها، دشمنان انقلاب اسلامی را معرفی می‌کند و پرده از خیانت‌های آنان برمی‌دارد. جمله فعلیه «تغريك المنى والأيام تسخر» حاوی استعاره است؛ که نشان از بی‌ثباتی و بی‌اعتمادی به روزگار و مقام و منصب دارد. در ضمن عبارت «الزمن المتوج» نیز دارای استعاره مکنیه است. در این ابیات، شاعر از کلمه پرسشی «كيف» برای بیان استفهام مجازی استفاده کرده است؛ تا فرجام خیانت‌پیشگان را به‌تصویر بکشد. دو واژه «وزر» و «وزیر» نیز دارای جناس اشتقاق هستند.

۳. نتیجه‌گیری

از مهم‌ترین ابزارهای زبانی که شاعر برای بیان مقصود و تأثیر در مخاطب، از آن بهره برده است، می‌توان به آرایش‌های بیانی همچون تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه اشاره کرد. ضمن آنکه نمادگرایی نیز از مهم‌ترین فن‌هایی

است که شاعر با هدف تعمیق معنا از آن استفاده کرده است.

از مهم‌ترین دلایل توجه غماری به انقلاب اسلامی ایران، وجود مرجعیت دینی در رأس این خیزش بزرگ بوده است و می‌توان گفت: شیوه تربیت خانوادگی این شاعر در توجه به انقلاب اسلامی و آرمان‌های آن تأثیر فراوانی داشته است. پرورش این شاعر مبارز در محیط خانوادگی مذهبی و متدین مسیری را در جهت حرکت به سمت خیزش‌های انقلابی و مبارزه با مستکبران فراهم کرد.

حضور پررنگ انقلاب اسلامی در شعر و ادبیات الجزیر به‌طور کلی و به‌شکل خاص در دیوان غماری، نوعی صدور انقلاب اسلامی به‌شمار می‌آید که رویکرد نوینی را در میان اندیشمندان این سرزمین به‌وجود آورد تا آنجا که غماری بر این باور است که این خیزش الهی و بزرگ، اندیشه هویت‌بخش نوینی به کشورهای اسلامی داد و آن‌ها را از یوغ استکبار و بیدادگری آزاد کرد.

انقلاب اسلامی در شعر غماری، نوعی آرمان‌گرایی الهی و دینی است و به‌گونه‌ای روشن شاعر بر این باور است که این انقلاب در امتداد نهضت عاشورا به‌شمار می‌آید که خط بطلان بر همه توطئه‌ها و دسیسه‌ها خواهد کشید. مهم‌ترین عامل تحقق این امر، مرجعیت دینی آگاه و وارسته است که پرچم این نهضت عاشورایی را در دست گرفته است و آن را رهبری می‌کند. در نتیجه، انقلاب اسلامی ایران همچون نوری در دل تاریکی‌ها درخشید.

از مهم‌ترین ویژگی‌های انقلاب اسلامی در شعر غماری، توجه فراوان به محرومین و مستضعفین است که شاعر این طبقه از جامعه را صاحبان واقعی انقلاب اسلامی می‌داند. در شعر این شاعر انقلابی، انقلاب اسلامی نماد پیروزی، حق‌طلبی، مبارزه با استبداد و خودکامگی، رهایی و تحقق عزت و کرامت انسانی و اسلامی است و شهدای بزرگی همچون شهید مطهری (ره) و شهید بهشتی (ره) نقش بسزایی در بسترسازی انقلاب اسلامی و تحقق آرمان‌های آن داشتند.

غماری، بر این باور است که انقلاب اسلامی ایران راه نجات را برای دیگر ملت‌های ستمدیده و مظلومی همچون فلسطین، افغانستان و پاکستان باز خواهد کرد؛ در نتیجه گفتمان انقلاب اسلامی به‌زودی در دیگر کشورهای مسلمان نیز نهادینه خواهد شد و آن‌ها با پیروی از این انقلاب، از یوغ استعمار و استبداد رهایی خواهند یافت.

۴. پی‌نوشت‌ها

(۱) دکتر مصطفی محمد الغماری، استاد دانشگاه الجزایر، در سال ۱۹۴۸ در منطقه «برج خریص» الجزایر دیده به جهان گشود. وی در خانواده‌ای مذهبی و متدین پرورش یافت و پدرش، قرآن و حکمت اسلامی را به وی آموزش داد و در مکتب‌خانه، اندیشه‌های ناب اسلامی و تعالیم نورانی آن را فراگرفت (ر.ک: ابوالقاسم، ۲۰۰۹: ۱۵۱). غماری برای رهایی از مشکلات و سختی‌های زندگی و کسب دانش و آگاهی، به الجزایر مهاجرت می‌کند و به آموزشگاه اسلامی می‌رود و با اندیشه‌های انقلابی و جهادی السنوسیه (مکتبی فکری مبتنی بر اندیشه انقلاب و جهاد در برابر استبداد انگلیس) آشنا می‌شود (ر.ک: بومنجل، ۲۰۱۵: ۱۷).

از مهم‌ترین آثار وی می‌توان به این موارد اشاره کرد: دیوان‌های شعری شامل: أسرار العریة، نقش علی ذاکرة الزمن، أغنیات الورد و

النار، لن يقتلوك، خضراء تشرق من طهران، قراءة في زمن الجهاد، عرس في مأتم الحجاج، قراءة في آية السيف، مقاطع في ديوان الرّفص، بوح في موسم الأسرار، حديث الشمس والذاكرة، ألم وثورة، العبد والقدس والمقام، المهجران، وإسلامه، قصائد منقضة، الفرحة الخضراء، حديقة الأشعار، أشباه وأرواح، ثمار الأفاعي، ولك الحمد يا مآذن. در زمینه نقد ادبی نیز دو کتاب از وی چاپ شده است: فی النقد والتحقیق و أشباه مختلفات.

غماری، شخصیتی انقلابی و نستوه است که دو برهه زمانی حسّاس را در انقلاب الجزایر تجربه کرده است؛ نخست، مرحله انقلاب آزادی بخش الجزایر و دیگری، مرحله استقلال الجزایر از دست فرانسویان و اصلاح آن. وی شش ساله بود که انقلاب الجزایر به وقوع پیوست و در سنّ نوجوانی شاهد به پایان رسیدن آن بود. این موضوع، در پرورش روحیه انقلابی و استکبارستیزی وی تأثیر فراوانی داشته است؛ از این رو، «در وجودش نوعی کشمکش فرهنگی و سیاسی شکل گرفت که بخشی از آن برخاسته از انقلاب الجزایر و بخش دیگر، حضور نظامی و قدرتمند فرانسویان در فرهنگ و تمدن الجزایر بود.» (همان: ۱۰). شعر غماری، در دو سطح قابل بررسی و تحلیل است: نخست رویکرد تمرّد و عصیان و دیگری بشارت و مژده به پیروزی و تحقّق آرمان. شایان ذکر است که غماری در ادبیات معاصر الجزایر از شاعران انقلابی و استعمارستیز به شمار می آید و آثار شعری وی سرشار از اندیشه اصلاح گری و استعمارستیزی است؛ از این رو، میان اندیشه های وی و ادبیات پایداری پیوندی ناگسستنی و تنگاتنگ وجود دارد. وی از پیشگامان مبارزه با استعمار فرانسه و انگلیس در سرزمین الجزایر است؛ بنابراین شعرش برخاسته از درونی متلاطم و خروشان است که بر واقعیت موجود در جامعه الجزایر می تازد و پرده از شکست ها و ناکامی ها برمی دارد و ندای ازین رفتن ارزش ها و آرمان ها را سرمی دهد (ر.ک: رماني، ۱۹۹۱: ۱۰۲)؛ به همین خاطر است که اندیشه پایداری و پایداری بر ارزش های دینی و دفاع از حاکمیت ارضی کشورش، بخشی از دغدغه های فکری و هنری و درونی وی است. منابع فکری وی در زمینه اندیشه مقاومت، برخاسته از حوادث تاریخی صدر اسلام؛ مانند جنگ های مختلف میان جبهه حق و باطل، آشنایی با جبهه های مقاومت در سرزمین الجزایر و دیگر کشورهای اسلامی، اشغال فلسطین و به طور کلی واقعیت هایی است که در طول زندگی خویش با آن ها در تعامل بوده است.

منابع و مآخذ

- ابوالقاسم، سعد الله (۲۰۰۹). تجارب في الرحلة والأدب. الطبعة الثانية، الجزائر: عالم المعرفة.
- برومند اعلم، عباس (۱۳۹۱). ظهور و کارکرد اسلام سیاسی در روند استقلال الجزایر. فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۱ (۳)، ۲۱-۴۱.
- بوحالیس، سلاف (۲۰۰۹). صورة الأنا والآخر في شعر مصطفى محمد الغماری. عبد الرزاق بن السبع، الجزائر: الحاج لخضر.
- بومنجل، عبدالمالك (۲۰۱۵). الموازنة بين الجزائريين مفدى كركيا ومصطفى الغماری، دراسة نقدية أسلوبية موازنة. الطبعة الثالثة، الجزائر: قرطبة للنشر والتوزيع.
- حمبلي، فاتح (۲۰۱۳). مؤشرات الحسن التراثي في شعر مصطفى الغماری. مجلة علوم اللغة العربية وآدابها، (۵)، ۷-۲۳.
- خليل، خليل أحمد (۱۹۸۲). العرب والقيادة. بيروت: دار الحداثة.
- خميني، روح الله (۱۳۶۸). صحيفه. جلد ۱۰. مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني.
- درار، أنيسة بركات (۱۹۸۴). أدب التّضال في الجزائر. الجزائر: المؤسسة الوطنية للكتاب.
- دوغان، أحمد (۱۹۹۶). في الأدب الجزائري الحديث. الطبعة الأولى، سوريا: اتحاد الكتاب العرب.
- رحيم، عبدالقادر (۲۰۰۴). سيميائية العنوان في شعر مصطفى محمد الغماری. صالح مفقودة. الجزائر: محمد خيضر.

ركيبي، عبدالله (۲۰۰۹). *دراسات في الشعر الجزائري الحديث*. الجزائر: دار الكتاب العربي.
 رمانی، إبراهيم (۱۹۹۱). *الغموض في الشعر العربي الحديث*. الجزائر: ديوان المطبوعات الجامعية.
 زینی وند، تورج (۱۳۹۵). *به سوی نظریه ادبیات تطبیقی اسلامی*. تهران: یار دانش.
 شلتاغ، عبود شراد (۱۹۸۵). *الغماری شاعر العقيدة الإسلامية. الطبعة الثالثة*، الجزائر: تيارت.
 طرطاق، شریف (۲۰۰۴). *البناء الفني في شعر مصطفى محمد الغماري (شعر التفعيلة نموذجًا)*. عبدالرحمن تبرماسین. الجزائر: محمد خيضر.

عبدالرحمن خليل، إبراهيم (۱۹۷۱). *دور الشعر في معركة الدعوة الإسلامية*. الجزائر: الشركة الوطنية للنشر والتوزيع.
 غماري، مصطفى محمد (۱۹۸۰). *خضراء تشرق من طهران*. الجزائر: البعث.
 ----- (۲۰۰۳). *في التقد والتحقق*، الجزائر: دار مدني.
 كراكي، خالد (۱۹۹۸). *حماسة الشهداء؛ رؤية الشهادة والشهيد في الشعر العربي الحديث*. الطبعة الثانية، بيروت: المؤسسة العربية للدراسات والنشر.

مستاري، حياة (۲۰۱۶). *جماليات التناص في شعر مصطفى محمد الغماري*. محمد زومان. الجزائر: الحاج لخضر.
 مطهري، مرتضى (۱۳۷۹). *بررسی اجمالی نهضت های اسلامی در صد سال اخیر*. تهران: صدرا.
 نامور مطلق، بهمن (۱۳۸۸). *درآمدی بر تصویرشناسی، معرفتی یک روش نقدي ادبی و هنری در ادبيات تطبيقی*.
 فصلنامه مطالعات ادبيات تطبيقي، ۳ (۱۲)، ۱۱۹-۱۳۸.

نزار، جعفر حسين (۱۹۷۹). *الثورة الإسلامية في إيران*. د.ت: د.م.ن.
 ولك، رنه (۱۳۸۹). *بحران ادبيات تطبيقي*. ترجمه علي رضا انوشيرواني. *ويژنامه فرهنگستان ادبيات تطبيقي*، (۲)، ۸۵-۹۸.
 هيمة، عبدالحميد (۲۰۰۵). *الصورة الفنية في الخطاب الشعري الجزائري*. الطبعة الرابعة، الجزائر: دار هومة.
 يوسف، أحمد (۲۰۰۲). *يتم النص والجنولوجيا الضائعة*. الطبعة الأولى، الجزائر: الاختلاف.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی



بحوث في الأدب المقارن (الأدبين العربي والفارسي)

جامعة رازي، السّنة العاشرة، العدد ٤ (٢٠١٠)، شتاء ١٤٢٢، صص. ١٢٥-١٤٣

صورولوجيا ثورة إيران الإسلامية في شعر مصطفى محمد الغماري

عباس يداللهي فارساني^١

أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها، كلية اللاهوت والدراسات الإسلامية، جامعة شهيد تشرمان أهواز، أهواز، إيران

القبول: ١٤٢٢/١/١٣

الوصول: ١٤٢١/٤/٧

الملخص

لقد اهتمّ الشعراء الجزائريون اهتماماً بالغاً بثورة إيران الإسلامية لما تنطوي على قضايا مصيرية كالاقتدار، العزة والكرامة الإنسانية وتوافر ثقافة الإستشهاد والتضحية. بناء على ذلك، نجد قواسم مشتركة كثيرة بين ثورة إيران الإسلامية والثورة الجزائرية. اعتمد هذا البحث على المنهج الوصفي - التحليلي لدراسة صورة من ثورة إيران الإسلامية ومؤثراتها الإسلامية والثورية في شعر مصطفى محمد الغماري بوصفه شاعراً ملتزماً ومناضلاً في الأدب الجزائري. خصّص هذا الشّاعر المناضل إحدى معطياته الشعريّة لترسيم الثّورة الإسلاميّة والتي تحمل العنوان (خضراء تشرق من طهران). أشار الشّاعر في هذا الدّيوان الشعري إلى أهمّ السمات البارزة للثورة الإسلامية؛ منها تواجد الرّعاية الدّينيّة، استلهام المخاور الإصلاحيّة من ثورة عاشوراء وتضحية الشّهداء والمناضلين. أخيراً خلص البحث إلى أنّ هناك عوامل وأسباباً كثيرة استرعت انتباه الشّاعر وفتت نظره تجاه هذه الثّورة الإسلاميّة، منها ما يعود إلى نشأته الدّينيّة وتوافر سمة الاستشهاد في كيان الإمام الخميني (ع) وكفاحه مع الاستعمار ووجوب إقامة الدّولة الإسلاميّة وفق التعاليم الدّينيّة السّميحة. من أهمّ ميزات الثّورة الإسلاميّة في شعر الغماري ما يشار إليها: الصّلات الوطيدة بينها وبين التعاليم الدّينيّة، توافر ثقافة المقاومة والاستقلال، الدّب عن الأمم المضطهدة والمقهورة وإنشاء التضامن بين الأمم الإسلاميّة.

المفردات الرّئيسية: الأدب المقارن، ثورة إيران الإسلامية، الثّورة الجزائريّة، المثاليّة، الرّعاية الدّينيّة.



شرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتمال جامع علوم انسانی